

تعاون، سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۰

## بررسی میزان وجود فرهنگ تعاونی در بین کشاورزان شهرستان کرمانشاه

دکتر امیرحسین علی بیگی<sup>۱</sup>، زهرا اظہری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۱۲

### چکیده

هدف کلی این تحقیق توصیفی-پیمایشی، بررسی میزان وجود فرهنگ تعاونی در بین کشاورزان شهرستان کرمانشاه در سال ۱۳۸۸ است. جامعه آماری تحقیق را کشاورزان روستاهای شهرستان کرمانشاه (N=۲۴۳۹۱) تشکیل می‌دهند که تعداد ۳۵۰ نفر از آنان به روش نمونه گیری چند مرحله‌ای به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. بر اساس یافته‌ها، گرایش نسبتاً خوبی نسبت به فرهنگ تعاونی در بین کشاورزان وجود دارد. نتایج تحلیل عاملی نشان‌دهنده چهار عامل احساس مسئولیت پذیری اجتماعی، همدلی و مشارکت، احساس تعلق و مالکیت و ارتقای اقتصادی در حکم مهمترین عوامل شکل دهنده گرایش نسبت به فرهنگ

۱. دانشیار دانشکده کشاورزی و عضو مرکز پژوهشی مطالعات اقتصادی-اجتماعی دانشگاه رازی

e-mail: baygi1@gmail.com

۲. دانشجوی دوره دکترای ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

تعاونی است. با توجه به نتایج، مسؤلان بخش تعاون با اطمینان بیشتری می توانند در جهت توسعه تعاون گام بردارند و با برنامه ریزی مناسب، زمینه عضویت و مشارکت واقعی روستاییان را در شرکتهای تعاونی تولید فراهم کنند.

#### کلیدواژه‌ها:

فرهنگ تعاونی، مسئولیت پذیری اجتماعی، کشاورزان، شهرستان کرمانشاه

#### مقدمه

قدمت تعاون و همکاری در جامعه ایران به گذشته‌های دور باز می‌گردد. بهترین نمونه تعاون و همکاری را می‌توان در جوامع روستایی ایران مشاهده نمود که به صورت یک سنت پسندیده از دوران باستان تا کنون همچنان میان کشاورزان ایرانی متداول است (اختر محقق، ۱۳۸۶). بارزترین اشکال تعاون و همکاری در جوامع روستایی را می‌توان در نسق بندی اراضی زراعی، گروه‌های هم‌آب، لایروبی قنات و نه‌رها، کشت، وجین، برداشت، شیوه‌های جمعی گلّه‌داری و... مشاهده کرد (میر باقری، ۱۳۸۵). امروزه نیز تعاونیها به عنوان نهادهای مردم محور و مشارکت‌گرا، می‌توانند یکی از مهمترین جلوه‌های مشارکت سازمان یافته کشاورزان روستایی در امور اقتصادی و اجتماعی باشند و نقش مهم و کلیدی را در توسعه کشور ایفا نمایند. از این رو، یکی از مؤثرترین و کارآمدترین راهکارها به منظور دستیابی به الگویی موفق از توسعه کشاورزی و در نهایت اهداف کلان توسعه کشور که در بردارنده توسعه اقتصادی، افزایش تولید، توزیع عادلانه درآمد و سرانجام مشارکت عملی کشاورزان در فعالیتهای مختلف عمرانی- اجتماعی باشد، شکل یافتن کشاورزان در قالب تعاونیهاست (جلالی و کرمی، ۱۳۸۵)؛ چراکه این تشکلهای با بهره‌گیری مطلوب از سرمایه اجتماعی و برخورداری از اصول و ارزشهای کلیدی تعاون می‌توانند زمینه همکاری و مشارکت واقعی اعضا را فراهم کنند (نکویی نایینی، ۱۳۸۵). بنابراین، تشکلهای تعاونی‌پیش از آنکه در عرصه‌های

مادی نقش داشته باشند، در عرصه های معنوی نقش ایفا می کنند و هر فعالیتی که بر عهده جامعه گذاشته شود و مردم بخواهند آن را به صورت جمعی انجام دهند، بدون حاکمیت روحیه تعاون امکان پذیر نخواهد بود (اجتهادی، ۱۳۸۶؛ رحمانی، ۱۳۸۶). لذا اولین گام در جهت شکل گیری تعاونیها در مناطق روستایی به منظور پیشرفت و توسعه کشاورزی و عمران روستایی، آگاهی از میزان وجود فرهنگ تعاونی و توسعه آن در بین کشاورزان است. این فرهنگ مبین اعتقادات، تصورات و باور های مردم نسبت به حرکت های متشکل و هدفمند در دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی است (بستانی و همکاران، ۱۳۸۸). در واقع توسعه فعالیت های موفق و اصیل تعاونی بر ترویج و پرورش فرهنگ تعاونی و رفتار های آگاهانه تعاون و همکاری استوار است. بدون رفتار های همیارانه، تعاونیها کالبدی بی روح و قراردادی و صرفاً اقتصادی و به دور از غایت های اجتماعی و انسان ساز و در عین حال ناکارآمد تلقی می شوند که توان رقابت با دیگر بخش های اقتصادی را نخواهند داشت (نکویی نایینی، ۱۳۸۵).

بر اساس هدف گذاری و برنامه ریزی های صورت گرفته در سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور، باید سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی تا پایان برنامه پنجم توسعه به ۲۵ درصد برسد (جعفرزاده، ۱۳۸۵). در حال حاضر با توجه به افق ترسیم شده در سند چشم انداز بیست ساله و سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی، فضای مناسبی برای توسعه بخش تعاون فراهم شده که با برنامه ریزی صحیح و اصولی می توان به آن دست یافت (حسینی نیا، ۱۳۸۹). در این راستا برنامه ریزان همواره این نکته را باید در ذهن داشته باشند، برای افرادی که با آنها یا برای آنها برنامه ریزی می نمایند، در ابتدا گرایش و ذهنیت آنها اهمیت بسزایی دارد (طاهر خانی و قرنی آرانی، ۱۳۸۲). از این رو یافته های این تحقیق می تواند به برنامه ریزان بخش تعاون کمک کند که در برنامه های تعاون با دید وسیعتری مسیر را برای رشد و توسعه تعاونیها هموار نمایند تا از این طریق، عوامل تسریع کننده رشد و توسعه تعاونیها تقویت و عوامل بازدارنده حذف شود یا کاهش یابد. بنابراین با تعیین عوامل شکل دهنده گرایش کشاورزان نسبت به فرهنگ

تعاونی، برخی از مشکلات پیش روی نهضت تعاون نزد برنامه ریزان این بخش شناسایی می‌شود و مسئولان تعاون می‌توانند با رفع مشکلات موجود، شاهد مشارکت هرچه بیشتر کشاورزان روستایی در تعاونیها به صورت خودجوش، پویا و مبتکرانه باشند. در این صورت، زمینه و شرایط ارتقای عملکرد بخش تعاون در اقتصاد روستایی و به تبع آن، زمینه و شرایط بهبود اقتصاد کشور فراهم می‌شود. لذا قبل از هر چیز برای دستیابی به موفقیت در چنین عرصه‌ای، آگاهی از گرایشها و دیدگاه‌های موجود در بین مردم ضروری به نظر می‌رسد.

گرایش یک نوع آمادگی فکری و احساسی است که از طریق تجربه سازماندهی می‌شود و تأثیری جهت دهنده و پویا بر واکنشهای فرد به کلیه پدیده‌ها و موقعیتهایی که با آن سرو کار دارد، می‌گذارد (کریمی، ۱۳۸۲). بنابراین، گرایش جهتگیری فرد در برابر موضوع، فرد یا گروهی است و این جهتگیری به سابقه ذهنی فرد بر می‌گردد. از این رو گرایش به صورت مثبت و منفی خود را نشان می‌دهد؛ یعنی فرد در برابر یک شی، شخص و یا موضوع از خود واکنش خاصی بروز می‌دهد و آماده می‌شود که عمل خاصی انجام دهد. به طور کلی در مطالعات مختلف، از گرایش فرد به عنوان یکی از عوامل زیر بنایی رفتار برنامه ریزی شده یاد شده است. به عبارت دیگر، گرایش یکی از بهترین عوامل پیشگو کننده رفتار به شمار می‌آید (طاهر خانی و قرنی آرانی، ۱۳۸۲). رفتار تعاونی نیز به عنوان یک رفتار برنامه ریزی شده از این امر مستثنی نیست و لذا اگر گرایش مثبت به فرهنگ تعاونی به سوی رفتار تعاونی سوق یابد، می‌توان به روی آوردن افراد به رفتار تعاونی امیدوار بود.

نتایج مطالعه حاجی یخچالی و همکاران (۱۳۸۲) نشان داد که اعضای شرکتهای تعاونی شهر شیراز دارای نگرش نسبتاً خوبی نسبت به فرهنگ تعاونی بوده‌اند. همچنین حس نوع دوستی و همدلی، حمایت اجتماعی و اقتصادی مهمترین مؤلفه‌های تشکیل دهنده نگرش اعضا به فرهنگ تعاونی بوده‌اند. کوهی (۱۳۸۸) نیز در مطالعه خود به این نتیجه رسید که اغلب مردم تمایل به تشکیل شرکتهای تعاونی دارند و از نگرش مثبتی نسبت به تعاون برخوردارند.

اونیوی و جونز (Onyeiwu & Jones, 2003)، آناند (Anand, 2003) و کارپنتر و همکاران (Carpenter et al., 2004) در مطالعات خود نشان دادند که عضویت در گروه های اجتماعی و داشتن احساس تعلق و پیوستگی به گروه باعث می شود افراد تصورات خوبی از کار جمعی داشته باشند.

گاجتر و هرمن (Gachter & Herrmann, 2009)، هنریچ و هنریچ (Henrich & Henrich, 2006) و گین تیز و همکاران (Gintis et al., 2005) به این نتیجه رسیدند که همدلی و نوع دوستی و احساس کارآمدی اجتماعی و اقتصادی فعالیت های جمعی از مهمترین عوامل شکل دهنده گرایش به فرهنگ کار جمعی به شمار می آیند.

کلادرمنس و همکاران (Klandermans et al., 2002) نیز در پژوهش خود نشان دادند که حس وحدت و همدلی و مسئولیت پذیری اجتماعی از عوامل شکل دهنده گرایش کشاورزان نسبت به فرهنگ تعاونی است. همچنین کشاورزانی که در تعاونیها عضو می شوند، از طریق تلاش های جمعی، بهتر می توانند به اهداف خویش برسند.

با توجه به مطالب مذکور، در این پژوهش پس از توصیف کشاورزان شرکت کننده در تحقیق، با تحلیل عاملی، ابعاد نا آشکار تشکیل دهنده گرایش کشاورزان نسبت به فرهنگ تعاونی آشکار گردید و متغیرهای مرتبط با این مفهوم سازی تحلیل شد تا بر اساس آن، برنامه ریزان مسئولان بخش تعاون و توسعه روستایی تصورات و اذهان کشاورزان روستایی را از تعاونی مد نظر قرار دهند.

بنابراین، پژوهش حاضر با هدف کلی بررسی میزان وجود فرهنگ تعاونی در بین

کشاورزان شهرستان کرمانشاه انجام شد. اهداف اختصاصی نیز عبارت است از:

۱. بررسی ویژگیهای فردی و حرفه ای کشاورزان شهرستان کرمانشاه؛

۲. تعیین عوامل شکل دهنده گرایش کشاورزان نسبت به فرهنگ تعاونی.

## روش تحقیق

جامعه آماری این تحقیق توصیفی - پیمایشی، کشاورزان سرپرست خانوار روستاهای شهرستان کرمانشاه اند ( $N=24391$ ) که تعداد ۳۵۰ نفر از آنان بر اساس جدول بارتلت و همکاران (Bartlett et al., 2001) با روش نمونه گیری چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش کار به این صورت بوده است که در مرحله اول از هریک از بخشهای فیروزآباد، مرکزی، ماهیدشت و کوزران شهرستان کرمانشاه، ده درصد دهستانها انتخاب و در مرحله دوم از هر دهستان، ده درصد از روستاها برگزیده شدند. با توجه به موارد فوق، از دهستان سرفیروز آباد ۱۲ روستا، میان دربند ۱۱ روستا، ماهیدشت ۸ و هفت آشیان ۳ روستا انتخاب شدند. روستاهای مذکور از بین ۳۴۵ روستا به روش کاملاً تصادفی انتخاب شدند. در نهایت، به تناسب حجم نمونه و تعداد کشاورزان سرپرست خانوار هر روستا، اعضای نمونه در هر یک از روستاهای منتخب به صورت تصادفی مشخص شدند. به منظور گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای سه قسمتی شامل نامه همراه، «گرایش سنج فرهنگ تعاونی» و ویژگیهای فردی و حرفه‌ای پاسخگویان با بهره گیری از پیشینه تحقیق تدوین شد. به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه، از دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی دانشگاه و صاحب نظران و کارشناسان تعاونیهای کشاورزی و روستایی استان کرمانشاه استفاده و اصلاحات ضروری اعمال شد. جهت تعیین پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که با توجه به ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده (۰/۸۵)، پایایی مناسب ابزار تحقیق مشخص شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد.

## نتایج و بحث

### ویژگیهای فردی و حرفه‌ای پاسخگویان

بر اساس یافته‌ها، اکثر کشاورزان مورد مطالعه سطح تحصیلات نسبتاً پایینی دارند به طوری که ۲۷/۴ درصد آنها بی سوادند و ۳۰/۸ درصد دارای تحصیلاتی در حد خواندن و نوشتن، ۱۷/۷ درصد در حد راهنمایی، ۱۵/۲ درصد در حد دیپلم و تنها ۸/۹ درصد بالاتر از

دیپلم هستند. میانگین سن و سابقه کار کشاورزی آنها به ترتیب ۴۷ سال (انحراف معیار = ۶/۵۴) و ۲۳ سال (انحراف معیار = ۱۵/۴۴) است. میانگین درآمد سالانه آنان ۵۴۳۹۸۰۶ تومان (انحراف معیار = ۶۰۴۷۵۷) می‌باشد. پاسخگویان به طور میانگین دارای ۴/۴۲ هکتار زمین زراعی آبی، ۳/۷۳ هکتار زمین زراعی دیم و ۲/۱۹ هکتار باغ هستند. همچنین اکثر پاسخگویان (حدود ۸۶ درصد) زمین شخصی دارند. در مقابل، ۱۰/۹ درصد کشاورزان مورد مطالعه، دارای زمین اجاره‌ای‌اند و تنها ۳/۴ درصد، نوع مالکیت زمینشان به صورت مشاع و تعاونی بوده است. بر اساس نتایج، ۶۷/۲ درصد کشاورزان مورد مطالعه حداقل در یک شرکت تعاونی عضوند و به طور میانگین ۱۳ سال سابقه عضویت در تعاونیها (انحراف معیار = ۹/۴۳) دارند. انحراف معیار ۹/۴۳ نشان‌دهنده پراکندگی پاسخهای کشاورزان در این مورد است.

#### تعیین عوامل شکل دهنده گرایش کشاورزان نسبت به فرهنگ تعاونی

به منظور تعیین عوامل شکل دهنده گرایش کشاورزان نسبت به فرهنگ تعاونی، از تحلیل عاملی استفاده شد. از آنجا که آزمون بارتلت در سطح ۱ درصد معنادار و KMO محاسبه شده برابر با ۰/۷۶ است، مناسب بودن داده‌ها برای انجام این تحلیل تأیید گردید (جدول ۱). به طور کلی چهار عامل با مقدار ویژه بالاتر از یک استخراج شد. مقدار واریانس تجمعی تبیین شده توسط این چهار عامل ۶۴/۱۷ می‌باشد که نشان می‌دهد این چهار عامل ۶۴ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کنند (جدول ۲). به منظور شناسایی و نامگذاری متغیرهای مربوط به هر عامل، چهار عامل استخراج شده با روش واریماکس چرخش داده شد.

جدول ۱. مقدار KMO و آزمون بارتلت

مجموعه مورد تحلیل	مقدار KMO	مقدار بارتلت	سطح معنی داری (sig)
گرایش نسبت به فرهنگ تعاونی	۰/۷۶۴	۲۵۷۹/۳۴	۰/۰۰۰

جدول ۲. عاملهای استخراج شده همراه با مقدار ویژه و واریانس پس از چرخش عاملها

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد واریانس تجمعی
احساس مسئولیت پذیری اجتماعی	۱۱/۵۲	۲۰/۲۳	۲۰/۲۳
همدلی و مشارکت	۱۰/۳۴	۱۸/۱۴	۳۸/۳۷
احساس تعلق و مالکیت	۶/۶۲	۱۴/۱۰	۵۲/۴۷
ارتقای اقتصادی	۵/۴۷	۱۱/۷۰	۶۴/۱۷

مأخذ: یافته های تحقیق

بر اساس جدول ۲، مهمترین عامل شکل دهنده گرایش نسبت به فرهنگ تعاونی، احساس مسئولیت پذیری اجتماعی با تبیین ۲۰/۲۳ درصد از کل واریانس تبیین شده است و سپس همدلی و مشارکت، احساس تعلق و مالکیت و ارتقای اقتصادی به ترتیب با تبیین ۱۸/۱۴، ۱۴/۱۰ و ۱۱/۷۰ درصد از کل واریانس تبیین شده، عوامل شکل دهنده گرایش کشاورزان نسبت به فرهنگ تعاونی می باشند.

بر اساس جدول ۳، کشاورزان روستایی بر این باورند که اگر عضو تعاونی باشند باید در قبال اهداف تعاونی و نحوه تحقق آنها، مسئول باشند. همچنین باید وظایف و تعهدات خود را مطابق با قوانین و مقررات تعاونی انجام دهند و بر فعالیتهای تعاونی نیز نظارت اجتماعی داشته باشند، چرا که در تشکلهای تعاونی مدیریت، برنامه ریزی و نظارت بر جریان امور باید از سوی اعضا اعمال شود. به هر روی، این داده ها و آماره ها، گرایش کشاورزان نسبت به فرهنگ تعاونی را نشان می دهد و از نوع مسائل ذهنی می باشد تا عینی.

در زمینه همدلی و مشارکت، مهمترین متغیرها شامل کمک به اهالی روستا هنگام بروز گرفتاری یا بیماری، دارا بودن روحیه کار گروهی و از خود گذشتگی جمعی است. حس همدلی و مشارکت تضمینی برای افزایش درک متقابل کشاورزان نسبت به همدیگر و تمایل و



تعهد آنها نسبت به تشکلهای تعاونی گونه می باشد. در واقع حس مشارکت و نوع دوستی و احترام متقابل برای همه افراد فرصت مطرح شدن، بیان عقاید و تبادل اطلاعات و تجربیات را فراهم می کند و سرانجام احساس تشریک مساعی را در آنان ایجاد می نماید.

گویه های «تعاونیها پیوستگی و اتحاد بین کشاورزان را افزایش می دهند» و «در صورت عضویت در تعاونیها، حاضر همگام مواجه شدن تعاونی با مشکل مالی از آن حمایت کنم» مهمترین متغیرهای تشکیل دهنده عامل احساس تعلق و مالکیت می باشند. در واقع کشاورزان مورد مطالعه معتقدند که برای حفظ و نگهداری تشکلهای تعاونی که خود بانی آنها می باشند یا خواهند بود، حاضرند امکانات خویش را به کار گیرند.

بر اساس گویه های عامل ارتقای اقتصادی، کشاورزان مورد مطالعه معتقدند اگر سرمایه ای داشته باشند و موقعیت آن فراهم گردد، اقدام به عضویت، تشکیل یا توسعه تعاونیها خواهند نمود. همچنین معتقدند تشکیل یک تعاونی نیاز به سرمایه زیادی ندارد. از آنجاکه «سرمایه» شرکتهای تعاونی را اعضا تأمین می کنند، بدون سرمایه گذاری اعضا، سازمانی به نام شرکت تعاونی موجودیت نمی یابد و در نتیجه اقتصاد تعاونی شکوفا نخواهد شد. بدین ترتیب چرخهای تعاونیها از سوی اعضای تعاونی به حرکت در خواهد آمد. از سوی دیگر هنگامی می توان از کشاورزان روستایی انتظار داشت که به میل خود عضویت شرکتهای تعاونی را بپذیرند و حاضر به سرمایه گذاری و همکاری متقابل شوند که فعالیت شرکتهای تعاونی چنان تأثیر مطلوبی در آنها بگذارد که ضررهای احتمالی ناشی از قبول عضویت در تعاونی را جبران سازد.

## جدول ۳. عوامل شکل دهنده گرایش کشاورزان نسبت به فرهنگ تعاونی

عوامل	میانگین از	انحراف	بار
	۵*	معیار	عاملی
<b>احساس مسئولیت پذیری اجتماعی</b>	۴/۰۷	۰/۶۴	-
من خود را در قبال وظایف و تعهدات تعاونی مسئول می دانم.	۴/۳۹	۰/۷۲	۰/۷۴
من به قوانین و مقررات تعاونی احترام می گذارم.	۴/۳۰	۰/۹۹	۰/۷۳
من با سایر اعضای تعاونی همکاری می کنم.	۴/۰۱	۱/۰۸	۰/۷۱
من با هیئت مدیره همکاری می کنم.	۳/۹۸	۱/۱۸	۰/۶۶
من بر خود لازم می دانم که بر فعالیتهای تعاونی نظارت داشته باشم.	۳/۸۰	۰/۹۵	۰/۶۱
<b>همدلی و مشارکت</b>	۴/۰۲	۰/۵۱	-
هنگام بروز گرفتاری یا بیماری برای اهالی روستا حاضرم به آنها تا حد امکان کمک کنم.	۴/۳۵	۰/۹۹	۰/۷۲
فعالیتهای جمعی نیازمند از خودگذشتگی و دارا بودن روحیه گروهی است که در حال حاضر در روستای ما وجود دارد.	۴/۳۴	۰/۷۸	۰/۶۹
فرهنگ مشارکت و کمک به دیگران در جوامع روستایی وجود دارد.	۴/۳۰	۰/۸۹	۰/۶۸
اگر در یک تعاونی عضو شوم، به منافع همه اعضا فکر می کنم.	۴/۱۴	۰/۹۸	۰/۶۵
من به عقیده و نظر سایر کشاورزان اهمیت می دهم. مطالعات فرهنگی	۴/۰۸	۱/۳۸	۰/۶۳
من حاضرم تجربیات خود را در اختیار کشاورزان و سایر مردم روستا قرار بدهم.	۴/۰۷	۰/۹۵	۰/۶۲
خوبی شرکتهای تعاونی این است که کارها به صورت گروهی و جمعی انجام می شود.	۴/۰۵	۰/۸۲	۰/۶۱
اگر در روستا یکی از همسایگان با مشکل مالی مواجه شود، من در حد امکان به او کمک می کنم.	۳/۷۵	۱/۱۰	۰/۵۹

ادامه جدول ۳

عوامل	میانگین از ۵*	انحراف معیار	بار عاملی
وجود اهداف مشترک گروهی در تعاونیها باعث گسترش روحیه تعاون و همکاری می شود.	۳/۷۳	۱/۱۴	۰/۵۷
در بین کشاورزان روستای ما مشارکت و روحیه کار گروهی برای تشکیل یا توسعه تعاونیها وجود دارد.	۳/۳۵	۱/۴۶	۰/۵۶
<b>احساس تعلق و مالکیت</b>			
	۳/۸۵	۰/۴۹	-
تعاونیها پیوستگی و اتحاد بین کشاورزان را افزایش می دهند.	۴/۲۸	۰/۸۱	۰/۷۱
اگر من عضو یک تعاونی باشم، هنگام مواجه شدن تعاونی با مشکل مالی حاضرم از آن حمایت کنم.	۴/۱۸	۰/۷۴	۰/۶۸
عضویت در تعاونیها باعث اختلاف و دلخوری نخواهد شد.	۳/۷۴	۱/۲۵	۰/۶۶
در صورت تشکیل تعاونی جدیدی در روستا، من سریعاً عضو می شوم.	۳/۲۱	۱/۳۹	۰/۶۳
<b>ارتقای اقتصادی</b>			
	۳/۵۲	۰/۶۴	-
اگر سرمایه‌ای داشته باشم و موقعیت آن فراهم گردد، حتماً اقدام به عضویت، تشکیل یا توسعه تعاونیها خواهم کرد.	۳/۷۸	۱/۳۶	۰/۶۸
تشکیل یک تعاونی نیاز به سرمایه زیادی ندارد.	۳/۷۵	۰/۷۴	۰/۶۵
کشاورزان می توانند از طریق فعالیتهای تعاونی در قالب تعاونیها، زمینه افزایش در آمد خود را فراهم کنند.	۳/۰۲	۰/۷۶	۰/۶۱

مأخذ: یافته های تحقیق

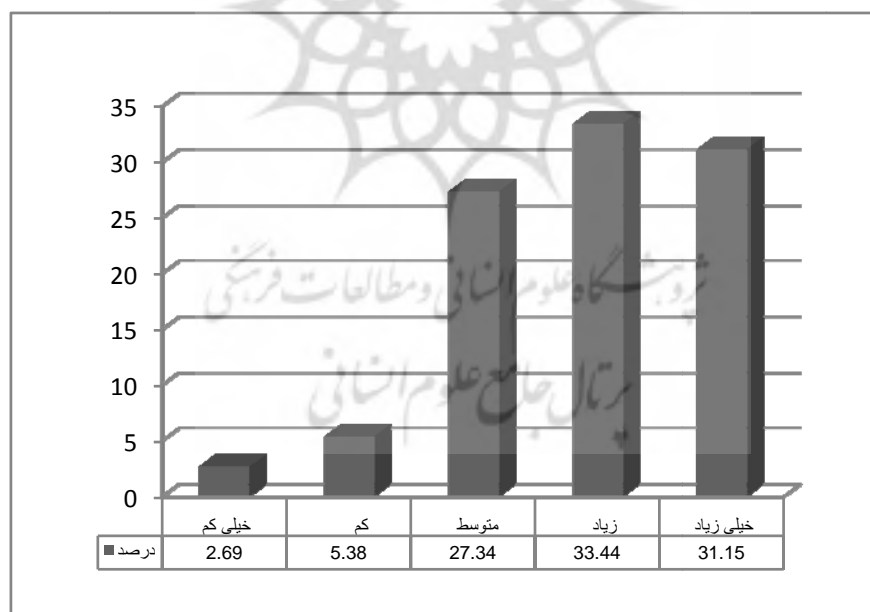
\* مقیاس: خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵

به طور کلی بر اساس نتایج جدول ۴، کشاورزان مورد مطالعه گرایش نسبتاً خوبی نسبت به فرهنگ تعاونی دارند. بنابراین، اذهان و باورهای کشاورزان مورد مطالعه تا حدی با تعاون و تعاونیها مأنوس و آشناست.

جدول ۴. میزان گرایش کشاورزان نسبت به فرهنگ تعاونی

میزان گرایش	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۹	۲/۶۹	۲/۶۹
کم	۲۰	۵/۳۸	۸/۰۷
متوسط	۹۲	۲۷/۳۴	۳۵/۴۱
زیاد	۱۲۰	۳۳/۴۴	۶۸/۸۵
خیلی زیاد	۱۰۹	۳۱/۱۵	۱۰۰
کل	۳۵۰	۱۰۰	

مأخذ: یافته‌های تحقیق



نمودار ۱. میزان گرایش کشاورزان نسبت به فرهنگ تعاونی

### نتیجه گیری و پیشنهاد

بر اساس نتایج حاصل، اکثر کشاورزان مورد مطالعه دارای سطح تحصیلات پایین، سن نسبتاً بالا، درآمد سالانه متوسط و تجربه نسبتاً زیاد در کار کشاورزی و حدود ۶۷ درصد آنها عضو شرکتهای تعاونی بوده‌اند که سابقه عضویت آنها به طور میانگین ۱۳ سال بوده است. یافته‌ها نشان داد که گرایش نسبتاً خوبی نسبت به فرهنگ تعاونی در بین کشاورزان مورد مطالعه وجود داشته است. لذا به منظور فراهم نمودن زمینه‌های مناسب برای عضویت و مشارکت واقعی آنان در تعاونیها، لازم است که این گرایش مثبت به سوی رفتار تعاونی سوق داده شود. در این خصوص برخی از محققان از جمله سلیم (۱۳۸۴) معتقد است که در میان روستاییان کشور ما روحیه همکاری و تعاون وجود دارد به طوری که بسیاری از کارهای روزمره از جمله برگزاری جشنها و عزاداری و دیگر مراسم مذهبی را با رغبت و همکاری یکدیگر انجام می دهند و فعالیتهای مربوط به ساختن خانه، مرمت راه های فرعی، تعمیر قنوات و جلوگیری از سیل را با کمک و یاری یکدیگر به ثمر می رسانند. این نوع فعالیتها بدون انس و الفت با همدیگر و وجود روح اعتماد متقابل و تعاون واقعی به انجام نمی رسد. از سوی دیگر، در برخی از مناطق کشور مشکل کم آبی و شوری خاک و همچنین دشواری نحوه تقسیم آب در بین روستاها عامل پدید آمدن نوعی همکاری و تعاون و روابط دموکراتیک در واحدهای زراعی بین کشاورزان شده است و هیچ گاه روحیه فردگرایی در بین روستاییان ایرانی وجود نداشته است (به نقل از ازکیا و فیروز آبادی، ۱۳۸۷). در مقابل دیدگاه گرایش کشاورزان ایرانی به همکاری و مشارکت، دیدگاه دیگری وجود دارد که همان دیدگاه روحیه فردگرایی است. در این باره خانم لمپتون معتقد است که دهقانان در فن همکاری مانند مالکان و دیگر طبقات ایران ناآزموده و بی تجربه اند و از این رو دلیلی در دست نیست که نشان دهد آنان در آینده نزدیک خواهند توانست امری از امور تعاونی را با کامیابی انجام دهند (فرهادی، ۱۳۷۳). این قبیل برداشتها معمولاً ناشی از مقایسه جامعه روستایی ایران با جامعه غربی و کمبود مطالعات و اطلاعات دقیق در این زمینه است. یادآور می شود پس از پیروزی انقلاب تا

حدودی این گونه مشکلات مرتفع و توجهات به نهضت تعاون، به عنوان منشأ مشارکت مردم در امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، بیش از پیش معطوف شده و تا حدودی زمینه مساعدتری برای شکل گیری فرهنگ تعاونی فراهم آمده است.

نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان‌دهنده چهار عامل اصلی شکل دهنده گرایش کشاورزان نسبت به فرهنگ تعاونی می باشد. این عوامل به ترتیب اهمیت عبارت است از: احساس مسئولیت پذیری اجتماعی، همدلی و مشارکت، احساس تعلق و مالکیت و ارتقای اقتصادی. در واقع کشاورزان مورد مطالعه معتقدند که اگر عضو تعاونی باشند، وظایف و تعهدات خود را مطابق با قوانین و مقررات تعاونی انجام می دهند و حاضرند بر فعالیتهای تعاونی نظارت اجتماعی داشته باشند، چرا که در تشکلهای تعاونی، مدیریت، برنامه ریزی و نظارت بر جریان امور باید از سوی اعضا اعمال شود. انجام این گونه وظایف و مسئولیتهای میزان وجود فرهنگ تعاونی یا نبود فرهنگ تعاونی و به تبع آن، میزان موفقیت و یا ناکامی تعاونی را رقم می زند. کلادرمنس و همکاران (Klandermans et al., 2002) نیز در مطالعه خود نشان دادند که احساس مسئولیت پذیری اجتماعی از عوامل تشکیل دهنده گرایش کشاورزان نسبت به فرهنگ تعاونی است. در زمینه حس همدلی و مشارکت، پاسخگویان معتقدند روحیه کارگروهی و از خود گذشتگی جمعی در آنها وجود دارد، به عقاید سایر کشاورزان احترام می گذارند و حاضرند تجربیات خود را در اختیار همدیگر قرار بدهند. حس همدلی و مشارکت تضمینی برای افزایش درک متقابل کشاورزان نسبت به همدیگر و تمایل و تعهد آنها نسبت به تشکلهای تعاونی گونه می باشد. در واقع حس مشارکت و نوع دوستی و احترام متقابل برای همه افراد فرصت مطرح شدن، بیان عقاید و تبادل اطلاعات و تجربیات را فراهم می سازد و سرانجام احساس تشریک مساعی را در آنان ایجاد می نماید. گاتچر و هرمن (۲۰۰۹)، هنریچ و هنریچ (۲۰۰۶) و گین تیز و همکاران (۲۰۰۵) نیز در مطالعات خود نشان دادند که حس همدلی و نوع دوستی از عوامل شکل دهنده گرایش نسبت به فرهنگ کار جمعی است. نتایج

مطالعه حاجی یخچالی و همکاران (۱۳۸۲) نیز نشان داد که حس نوع دوستی و همدلی از مهمترین مؤلفه های تشکیل دهنده نگرش اعضا نسبت به فرهنگ تعاونی است.

در زمینه احساس تعلق و مالکیت، کشاورزان حاضرند برای حفظ و نگهداری تشکلهای تعاونی گونه که خود بانی آنها می باشند یا خواهند بود، امکانات خویش را به کار گیرند. خوشبختانه این گرایش مثبت، یک رویکرد مؤثر و امیدوار کننده برای بخش تعاون است که به خوبی در اذهان کشاورزان روستایی تثبیت شده است. اونیوی و جونز (۲۰۰۳)، آناند (۲۰۰۳) و کارپتر و همکاران (۲۰۰۴) نیز در مطالعات خود نشان دادند که داشتن احساس تعلق و پیوستگی به گروه باعث می شود افراد تصورات خوبی از کار جمعی داشته باشند. بر اساس عامل ارتقای اقتصادی، کشاورزان مورد مطالعه معتقدند که اگر سرمایه ای داشته باشند و موقعیت آن فراهم گردد، اقدام به عضویت، تشکیل یا توسعه تعاونیها خواهند نمود. همچنین آنها اذعان داشتند که در صورت فراهم بودن شرایط، حاضرند در شرکتهای تعاونی «سرمایه گذاری» کنند.

بر اساس نتایج می توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

- بر اساس یافته ها، گرایش نسبتاً خوبی نسبت به فرهنگ تعاونی در بین کشاورزان مورد مطالعه وجود داشت. بنابراین، می توان از این وضعیت بهره گرفت و با برنامه ریزی مناسب، رفتار کشاورزان را به سوی سازگاری، همنوایی و همسویی هر چه بیشتر با شرکتهای تعاونی سوق داد به گونه ای که با علاقه و رغبت به شرکتهای تعاونی بپیوندند.

- از آنجا که احساس مسئولیت پذیری اجتماعی مهمترین عامل شکل دهنده گرایش نسبت به فرهنگ تعاونی است، بنابراین، کشاورزان روستایی چه قبل و چه بعد از عضویت در تعاونی، باید بر نقش و مسئولیتهای خود به عنوان یک عضو از تعاونی، آگاهی یابند تا با درک صحیح وظایف و مسئولیتهای حساس خویش، توانمندی خود را به بهترین نحو، در جریان فعالیتهای تعاونی به کار گیرند. از این رو آموزش کشاورزان روستایی (قبل از عضویت در

تعاونیها و بعد از آن) می تواند یکی از عوامل تسریع کننده توسعه تعاونیها تلقی گردد و زمینه بهره گیری مناسب از سرمایه اجتماعی را در جوامع روستایی فراهم کند.

- یافته‌ها نشان داد که احساس تعلق و مالکیت از عوامل شکل دهنده گرایش کشاورزان نسبت به فرهنگ تعاونی است و لذا تنها راه رسیدن به اهداف اصیل این نظام اقتصادی، مشارکت فعال و داوطلبانه کشاورزان (به عنوان بهره برداران واقعی تعاونیهای بخش کشاورزی) در برنامه های مدون، مشخص و نظارت شده است.

- بر اساس یافته ها، یکی دیگر از عوامل شکل دهنده گرایش نسبت به فرهنگ تعاونی، عامل ارتقای اقتصادی می باشد که نشاندهنده گرایش کشاورزان به سرمایه گذاری مشترک در تشکلهای تعاونی است. از طرفی، هنگامی می توان از کشاورزان روستایی انتظار داشت در تعاونیها سرمایه گذاری کنند و آمادگی و تمایل به مشارکت واقعی داشته باشند که اطمینان پیدا کنند فعالیت شرکتهای تعاونی سودمند است. از این رو سازمانهای تعاونی برای ترغیب کشاورزان به عضویت و مشارکت واقعی در تعاونیها، باید در جهت تأمین سود منصفانه و حفظ منافع آنان تلاش کنند.

### منابع

۱. اجتهادی، مصطفی (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، ص ۴۰۵ تا ۴۱۶.
۲. اختر محقق، مهدی (۱۳۸۶)، جامعه شناسی تعاون، تهران.
۳. ازکیا، مصطفی و احمد فیروز آبادی (۱۳۸۷)، بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظام‌های بهره برداری از زمین و عوامل مؤثر بر تبدیل بهره برداری دهقانی به تعاونی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۳، ص ۷۷ تا ۹۸.
۴. بستانی منصور، رضا، علیقلی حیدری و حسن صدیقی (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر ترویج و توسعه فرهنگ تعاون در استان سیستان و بلوچستان، ماهنامه تعاون، سال ۲۰، شماره ۲۱۰ و ۲۱۱، ص



۵. جعفرزاده، مسعود (۱۳۸۵)، نگاهی اجمالی به راههای توسعه بخش تعاون، ماهنامه تعاون، شماره ۱۸۵ و ۱۸۶، ص ۱۲۰ تا ۱۲۶.
۶. جلالی، محمد و عزت اله کرمی (۱۳۸۵)، تعیین عوامل مؤثر بر مشارکت مرتعداران در تعاونی های مرتع داری استان کردستان، پژوهش و سازندگی، شماره ۷۰، ص ۳۵ تا ۴۴.
۷. حاجی یخچالی، علیرضا، هاشمی و محمد عرب (۱۳۸۲)، بررسی نگرش اعضای شرکت های نسبت به فرهنگ تعاونی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در تعاونی های شهر شیراز، گزارش طرح تحقیقاتی، وزارت تعاون، اداره کل تعاون استان فارس.
۸. حسینی نیا، غلامحسین (۱۳۸۹)، سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، دفتر تحقیقات و پژوهش وزارت تعاون.
۹. رحمانی، جمال (۱۳۸۶)، بررسی روش های جلب مشارکت مردمی در طرح های تعاون به منظور تشویق مردم به پس انداز، سرمایه گذاری و بهبود درآمد آن ها طبق سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، گزارش طرح تحقیقاتی، وزارت تعاون، اداره کل تعاون استان قم.
۱۰. سلیم، غلامرضا (۱۳۸۴)، سیر تحول تعاونی در ایران و جهان، دانشگاه پیام نور، تهران.
۱۱. طاهرخانی، مهدی و بهروز قرنی آرانی (۱۳۸۲)، مطالعه عوامل مؤثر بر گرایش روستاییان به شرکت های تعاونی روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۵۵، ص ۱ تا ۲۲.
۱۲. فرهادی، مرتضی (۱۳۷۳)، فرهنگ یاریگری در ایران (درآمدی به مردم شناسی و جامعه شناسی)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۱۳. کریمی، یوسف (۱۳۸۲)، روانشناسی اجتماعی (نظریه ها، مفاهیم و کاربرد ها)، ارسباران، تهران.
۱۴. کوهی، کمال (۱۳۸۸)، راهکارهای ارتقای فرهنگ تعاون، مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی، ماهنامه تعاون، سال ۲۰، شماره ۲۰۲ و ۲۰۳، ص ۱ تا ۱۷.
۱۵. میر باقری، اکرم السادات (۱۳۸۵)، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش زنان روستایی به مشارکت در صندوق اعتبارات خرد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تربیت معلم.

۱۶. نکویی نایینی، سید علی (۱۳۸۵)، واکاوی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی های روستایی، پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه رازی.

17. Anand, P. B. (2003), From Conflict to Co-operation: Some Design Issues for Local Collective Action Institution in Cities, *Journal of International Development*, 15: 213-243.
18. Bartlett, J.E., J.W. Kotrlik & Ch.C. Higgins (2001), Organizational Research: Determining Appropriate Sample Size in Survey Research, *Journal of Information Technology, Learning, and Performance*, 19(1): 43-50.
19. Carpenter, J. P., A.G. Daniere & L.M. Takahashi (2004), Cooperation, Trust and Social Capital in Southeast Asian Urban Slums, *Journal of Economic Behavior and Organization*, 55(4): 510-533.
20. Gachter, S. & B. Herrmann (2009), Reciprocity, Culture, and Human Cooperation: Previous Insights and a New Cross-Cultural Experiment, *Cognitive Systems Research*, 18:791-806.
21. Gintis, H., S. Bowles, R. Boyd & E. Feher (2005), Moral Sentiments and Material Interests: Origins, Evidence, and Consequences, *The Foundation of Cooperation in Economic Life*, Cambridge, MA: MIT Press, pp. 3-40.
22. Henrich, J. & N. Henrich (2006), Culture, Evolution the Puzzle of Human Cooperation, *Cognitive System Research*, 7: 220-245.
23. Klandermans, B., J. Manuel Sabucedo, R. Maura & M. Weerd (2002), Identity Processes in Collective Action Participation: Farmers Identity Farmers Protest in the Netherlands and Spain, *Political Psychology*, 23: 223-246.
24. Onyeiwu, S. & R. Jones (2003), An Institutionalism Perception of Cooperative Behavior, *Journal of Socio-Economics*, 32: 233-248.